

## عنوان مقاله:

باباطاهر، بابای شعر عارفانه فارسی

## محل انتشار:

چهارمین همایش تجلیل از مفاخر همدان «همایش ملی هزاره باباطاهر» (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 13

## نویسنده:

سیما دلایی میلان - دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوی

## خلاصه مقاله:

در این پژوهش به بررسی برخی از ابعاد عرفانی شخصیت باباطاهر پرداختیم که دوبیتی های آبدارش طعم گس نفس های حق را میدهد، که برجسته ترین دوبیتی های تاریخ ادبیات ایران به شمار می آید. در بخش عرفانی باباطاهر، درمی ابیم که در کلمات قصار باباطاهر نیز جملاتی در مورد توحید وجود دارد که وحدت وجودی بودن تفکر او را آشکار می سازد و در بخش عشق و معشوق باباطاهر پی می بریم که وی به شیوه ای بسیار بدیع و عاشقانه، وحدت شهود و وحدت وجود را در هم آمیخته که به نوعی دیدار و جهان بینی متصل است. وی عاشقی است که از مرز وصول و هجران گذشته و جز عشق و معشوق به چیزی نمی نگرد. مشرب باباطاهر نیز گویای آن است که باباطاهر عریان، ملبس به حریر توحید و اندیشه وحدت وجودی است. و این اندیشه و جهان بینی عرفانی او، با شور و حال تمام، آشکار و نمایان است، اما رنگ و بوی حریر وحدت وجودی او، با فلسفه فکری سایر هم مشربانش یک تفاوت اساسی دارد، این تفاوت را در سرگشتگی و حیرانی و در به دری و سر انجام دنیایی غمگین و پر احساس و رنگ، و تو در توی درونی او می توانیم پیدا کنیم و از مرگ اندیشی وی نیز می توانیم پی ببریم که انسانی چنین شریف و والا، درنگ در موضوع مرگ و ختام کار آدمی برایش به صورت تکیه کلام در آمده است و کمتر توانسته است خود را از این موضوع دور کند. در سخنان باباطاهر به شفافیت تمام مشاهده می شود که وی از تمام تعلقات دنیوی خارج بود و در پی انسان شدن به معنای کامل بود. عارف بودن و انسان بودن این بابای دلسوخته در بسیاری از آثارش به روشنی قابل وضوح است.

## کلمات کلیدی:

عرفان، توکل، معشوق، مشرب، باباطاهر

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/745793>

